



University of Tehran Press

United States Legal Accountability for Targeted Killings

Mahvash Monfared^{1✉}

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies and Law, Faculty of Literature and Humanities, Vali Asr University, Rafsanjan, Iran. Email: m.monfared@vru.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	For years, the United States of America (hereinafter USA) has been involved in the most extensive programs to implement the policy of targeted killing outside of active battlefields. This operation has created extensive legal debates so far. This article focuses on only one relatively specific dimension, namely, ensuring how a government can be held accountable when carrying out such an operation. No country has unveiled an accountability mechanism that ensures extrajudicial killings are investigated, prosecuted and punished. States' refusal to provide accountability for this policy violates the international legal framework that limits the illegal use of lethal force against individuals. This article discusses legal accountability regarding the USA targeted killing and potential mechanisms for strengthening this accountability. accountability is checked with regard to the decision to designate a person as a target and then with the implementation of the operation. The focus of the article is on the USA program, but it aims to clarify the complex considerations involved in trying to strengthen the legal accountability of any government that conducts these operations. However, the findings of this research show that the countries that use this program do not provide any kind of legal mechanism.
Pages: 1-26	
Received: 2022/12/25	
Received in Revised form: 2023/06/11	
Accepted: 2023/09/10	
Published online: -----	
Keywords: <i>Accountability, Targeted killing, United States, International law.</i>	
How To Cite	Monfared, Mahvash (2025). United States Legal Accountability for Targeted Killings. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , -- (--), 1-26. DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.352911.3241
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.352911.3241
Publisher	The University of Tehran Press.





پاسخگویی حقوقی ایالات متحده آمریکا در خصوص کشتار هدفمند

مهوش منفرد^۱

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی و حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران.
رایانامه: m.monfared@vru.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	سال هاست که ایالات متحده آمریکا درگیر گسترده‌ترین برنامه‌ها برای اجرای سیاست کشتار هدفمند در خارج از میدان‌های جنگی فعال است. این عملیات، تاکنون بحث‌های حقوقی گسترده‌ای را ایجاد کرده است. تحقیق حاضر، تنها بر یک بُعد نسبتاً خاص، یعنی بر اطمینان از اینکه چگونه یک دولت می‌تواند در انجام چنین عملیاتی پاسخگو باشد، تمرکز دارد. تاکنون هیچ کشوری سازوکار پاسخگویی را که تضمین می‌کند قتل‌های غیرقانونی بررسی، تعقیب و مجازات می‌شوند، افشا نکرده است. امتناع کشورها از ارائه پاسخگویی در مورد این نوع از سیاست‌ها، چارچوب حقوقی بین‌المللی را که استفاده غیرقانونی از زور گشوده علیه افراد را محدود می‌کند، نقض می‌نماید. مقاله پیش‌رو، پاسخگویی حقوقی در خصوص برنامه کشتار هدفمند ایالات متحده و سازوکارهای بالقوه برای تقویت این پاسخگویی را مورد بحث قرار می‌دهد. از این‌رو پاسخگویی ابتدا با توجه به تصمیم برای تعیین یک فرد به‌عنوان هدف و سپس با اجرای عملیات بررسی می‌شود. تمرکز پژوهش، بر برنامه ایالات متحده است، اما هدف روشن کردن ملاحظات پیچیده مربوط به تلاش برای تقویت پاسخگویی حقوقی هر دولتی است که این نوع عملیات را انجام می‌دهد. هرچند که یافته‌های این پژوهش نشان از عدم ارائه هر نوع سازوکار حقوقی از سوی کشورهای به کاربرنده این برنامه دارد.
صفحات: ۱-۲۶	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹	
تاریخ انتشار برخط:	
کلیدواژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، پاسخگویی، حقوق بین‌الملل، کشتار هدفمند.	
استناد	منفرد، مهوش (۱۴۰۴). پاسخگویی حقوقی ایالات متحده آمریکا در خصوص کشتار هدفمند. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، --، (۱-۲۶). DOI: https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2023.352911.3241
DOI	10.22059/JPLSQ.2023.352911.3241
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

سیاست کشتار هدفمند^۱ به عنوان راهبردی نوین در حمله علیه تروریست‌ها، چالش‌هایی اساسی را در زمینه حقوق بین‌الملل ایجاد کرده است (منفرد، ۱۳۹۶: ۲۴۶). تا به امروز، هیچ دولتی مبنای قانونی کامل برای کشتار هدفمند را فاش نکرده است. همچنین هیچ کشوری، تضمین‌های موجود برای اطمینان از قانونی و موجه بودن قتل و سازوکارهای پاسخگویی که تضمین می‌کند قتل‌های غیرقانونی بررسی، تعقیب و مجازات می‌شوند، اعلام نکرده است. عدم پاسخگویی، به دولت‌ها اجازه کشتن به نحو مجاز و غیرمجاز را می‌دهد. از جمله تضمین‌هایی که کشورها باید در خصوص کشتار هدفمند در درگیری‌های مسلحانه اتخاذ کنند (و افشا کنند) شامل موارد زیر است (Alston, 2010: 26):

- اطمینان حاصل شود که نیروها و عوامل به اطلاعات قابل اعتماد برای هدف‌گیری مظنون دسترسی دارند؛ که شامل ساختار فرماندهی و کنترل مناسب است (HPCR Manual Commentary Section G.32(a)-(c) and 39).
- اطمینان از اطلاعات کافی در خصوص تأثیر سلاح‌هایی که قرار است استفاده شوند، تعداد غیرنظامیانی که احتمالاً در زمان خاص در منطقه موردنظر حضور دارند (HPCR Manual Commentary section g.32(c)).
- اصل تناسب باید برای هر حمله ارزیابی شود (Sandoz, AP Commentary, AP 1, art. 57, section 2207).
- اطمینان حاصل شود که وقتی یک خطای آشکار وجود دارد، کسانی که یک قتل هدفمند را انجام می‌دهند، می‌توانند حمله را متوقف یا تعلیق کنند (UK Ministry of Defence, The Manual of the Law of Armed Conflict (2004), para. 5.32.9).

بر اساس این معیارهای بین‌المللی، در مه ۲۰۱۳، دولت اواما دستورالعمل سیاست ریاست جمهوری^۲ را در خصوص ارائه استانداردهایی برای حملات هدفمند در خارج از مناطق درگیری فعال اعلام کرد. این موارد شامل این الزام بود که یک هدف باید یک «تهدید قریب‌الوقوع مستمر برای افراد آمریکایی»^۳ باشد، دستگیری هدف غیرممکن باشد و اینکه تقریباً اطمینان حاصل شود که هدف قرار دادن مظنون، هیچ تلفات غیرنظامی نخواهد داشت (Presidential Policy Guidance (PPG), 2013).

دولت ترامپ نیز معیارهای هدف‌گیری خود را فاش نکرد، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که تعریف هدف مشروع و همچنین الزام به شناسایی هدف به صورت دقیق، کاهش داشته است. به نظر

1. Targeted Killing

2. Presidential Policy Guidance (PPG)

3. Continuing Imminent Threat to Us Persons

می‌رسد الزاماتی نظیر اجرانشدنی بودن دستگیری هدف و عدم تلفات غیرنظامی در اجرای این عملیات، در طول دوره دولت ترامپ نیز ادامه داشته است (DeRosa & Regan, 2021: 61). در ژانویه ۲۰۲۱، دولت جدید بایدن نیز رهنمودهای دولت ترامپ را به حالت تعلیق درآورده و بازنگری در سیاست هدفگیری مظنونان را آغاز کرده است (O'Connel, 2022: 21).

دستورالعمل سیاست ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا، نشان‌دهنده تلاشی است برای اطمینان از اینکه قتل هدفمند طبق معیارهای اعلام‌شده عمومی، مطابق با الزامات اساسی حاکمیت قانون، رخ می‌دهد. با این حال، سؤال اصلی این است که چگونه می‌توان ایالات متحده را برای پایبندی به این استانداردها پاسخگو دانست؟ فرضیه پژوهش پیش‌رو این است که حملات هدفمند بر اساس اطلاعاتی انجام می‌شود که دولت ممکن است نتواند به‌طور کامل حتی برای همه اعضای کنگره افشا کند، از این‌رو این مسئله سبب می‌شود، برنامه کشتار هدفمند محرمانه باقی بماند که به نوبه خود از پاسخگویی معنادار جلوگیری می‌کند.

این مقاله، قسمتی از شکاف و خلأ موجود در ادبیات مربوط به کشتار هدفمند را پر می‌کند که تا به امروز فاقد تحلیل علمی پایدار از سازوکارهای پاسخگویی مرتبط با فرایند کشتار هدفمند است. بنابراین، تحقیق پیش‌رو تحلیلی است از فرایند کشتار هدفمند که با ایجاد فهرست‌های کشتار هدفمند شروع می‌شود و از طریق اجرای حملات هدفمند گسترش می‌یابد. از این‌رو پس از توضیح چگونگی انجام قتل هدفمند از توصیفی به هنجاری تغییر کرده و چارچوب تحلیلی قوی برای ارزیابی سازوکارهای پاسخگویی مرتبط با آن فرایندها فراهم می‌کند.

۲. مبنای قانونی سیاست کشتار هدفمند

در سال‌های اخیر، بحث و جدل‌های زیادی بر سر جنبه‌های مختلف قانونی بودن کشتار هدفمند دولت ایالات متحده وجود داشته است. قبل از بررسی موضوع اصلی، لازم است طرحی مختصر از چارچوب کلی هنجاری ارائه شود. این بحث بر روی مجاز بودن کشتار هدفمند نیروهای آمریکایی تحت دو چارچوب حقوقی بین‌المللی متمرکز است: حقوق توسل به زور^۱ (که بر تصمیم‌گیری در مورد استفاده یا عدم استفاده از زور حاکم است) و حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۲ (که بر نحوه اجرای جنگ پس از شروع آن حاکم است).

1. Jus Ad Bellum

2. Jus in Bello

۱.۲. مبنای حقوق داخلی

بسیاری، از جمله مشاور حقوقی سابق وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، هارولد کوه^۱، استدلال کرده‌اند که بسیاری از برنامه‌های کشتار هدفمند دولت ایالات متحده، با مجوز توسل به زور نظامی^۲ (که به‌طور مثبت توسط کنگره به قوه مجریه اجازه می‌دهد تا علیه آن دسته از رزمندگان دشمن که در چارچوب قانون قرار می‌گیرند، متوسل به زور شود) انجام می‌شود. دولت ایالات متحده اعلام کرده است که در پاسخ به حملاتی که القاعده، طالبان و نیروهای وابسته به آن انجام داده‌اند و ادامه تهدیدات ناشی از آن، کنگره به رئیس‌جمهور اجازه داده است که از تمام نیروی لازم و مناسب علیه این گروه‌ها استفاده کند. بنابراین بر مجوز توسل به زور نظامی کنگره، به‌عنوان پایه اصلی برای مرجع هدف خود تأکید می‌شود. علاوه بر این، اظهار شده است که قانون اساسی به رئیس‌جمهور این اختیار را می‌دهد که از کشور در برابر هرگونه تهدید قریب‌الوقوع و حمله خشونت‌آمیز محافظت کند (Bradley & Goldsmith, 2005: 2072).

- بنابراین، در مجموع، دولت ایالات متحده، چندین مبنای برای برنامه کشتار هدفمند خود ارائه می‌کند: مسئولیت قانون اساسی رئیس‌جمهور برای حفاظت از کشور، حق ذاتی ایالات متحده برای دفاع از خود بر اساس قوانین بین‌المللی؛
- مجوز کنگره برای استفاده از تمام نیروی نظامی لازم و مناسب علیه القاعده و نیروهای وابسته؛ و
- وجود درگیری مسلحانه با القاعده بر اساس قواعد بین‌المللی.

با این حال، استفاده از مجوز توسل به زور نظامی کنگره، تا آنجایی که قتل‌های هدفمند را مجاز می‌کند، ممکن است برای کل سیاست کشتار هدفمند کافی نباشد. برنامه کشتار هدفمند دولت ایالات متحده تاکنون به‌طور متعدد انجام شده است، بنابراین شاید حداقل برخی از برنامه‌های کشتار هدفمند دولت ایالات متحده غیرمجاز باشد. همچنین باید توجه داشت که برگه اطلاعاتی کاخ سفید که همراه با سخنرانی پرزیدنت اوباما در ۲۳ می ۲۰۱۳ در مورد مبارزه با تروریسم منتشر شد، تأکید کرد که رئیس‌جمهور کنگره و مردم آمریکا را در تلاش برای اصلاح و در نهایت لغو دستور کنگره مشارکت خواهد داد (US Fact sheet, 2013).

علاوه بر این، حتی اگر کنگره برنامه کشتار هدفمند دولت ایالات متحده را با مجوز توسل به زور نظامی مجاز نمی‌داند، رئیس‌جمهور می‌تواند در مبارزه علیه تروریست‌هایی که تهدیدی قریب‌الوقوع ارائه می‌کنند، تحت قانون اقدام مخفی^۳، به زور متوسل شود.^۴ البته قانون اقدام مخفی، مانند مجوز

1. Harold Koh

2. Authorization for The Use of Military Force (AUMF)

3. Covert Action Statute (CAS)

کنگره، ممکن است برای حمایت از کل سیاست کشتار هدفمند دولت ایالات متحده کافی نباشد (Combe, 2017: 34).

۲.۲. مبنای حقوق بین‌المللی

۲.۲.۱. حقوق توسل به زور

محققان مکرراً بحث می‌کنند که آیا سیاست هدف‌گیری ایالات متحده آمریکا، بر اساس توسل به زور طبق قواعد بین‌المللی مجاز است یا خیر. حداقل بر اساس منشور ملل متحد، توسل به زور تنها در صورتی مشروع است که برای دفاع از خود یا مجوز سازمان ملل متحد صورت گیرد. ایالات متحده آمریکا ادعا می‌کند که راهبرد کشتار هدفمند، اعمال معتبر حق دفاع از خود ایالات متحده، تحت منشور ملل متحد است. بر همین اساس، ایالات متحده استدلال می‌کند که کشورهایی که در آنها کشتار هدفمند رخ داده است، در خصوص حملات ایالات متحده اعلام رضایت داشته‌اند یا مایل یا قادر به سرکوب تهدید مورد بحث نبوده‌اند (Mcneal, 2014: 690).

این موضوع مورد بحث بوده است که آیا ماده ۵۱ منشور به کشورها اجازه می‌دهد تا علیه بازیگران غیردولتی به زور متوسل شوند؟ ایالات متحده استدلال می‌کند، در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری نمی‌توان پشتیبانی یا حمایتی را در رابطه با این موضوع که دولت‌ها نتوانند در برابر حملات مسلحانه توسط بازیگران غیردولتی که قابل انتساب به دولت دیگری نیستند، به ماده ۵۱ استناد کنند، یافت (Wall Opinion; Armed Activities, Para. 216). مضاف بر آن، استدلال می‌کند که ماده ۵۱ منشور، حقوق بین‌الملل عرفی برای اقدام در دفاع از خود، از جمله در برابر بازیگران غیردولتی را خدشه‌دار نمی‌کند و رویه دولت از این موضع حمایت می‌کند.^۱

اما حتی اگر بپذیریم که ماده ۵۱ منشور، جایگزین قواعد عرفی نشده است، واقعیت این است که تنها در شرایط بسیار نادری است که یک بازیگر غیردولتی که فعالیت‌هایش مسئولیت هیچ کشوری را در برنمی‌گیرد، قادر به انجام آن نوع حمله مسلحانه است که حق توسل به زور فراسرزمینی را به وجود می‌آورد. در چنین شرایط استثنایی، منشور ملل متحد مستلزم آن است که باید به دنبال تأیید شورای امنیت باشد (Paust, 2010: 261).

۱. قانون اقدام مخفی، به‌طور بالقوه یک مرجع مهم مجوزدهنده است، زیرا دامنه آن فراتر از مجوز توسل به زور نظامی کنگره است، یعنی به گروه‌های تروریستی مرتبط با حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محدود نمی‌شود.

۲. مفسران از این استدلال در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت که در پی حملات ۱۱ سپتامبر صادر شد، همچنین استناد ناتو به ماده ۵ دفاع از خود دسته‌جمعی پیمان آتلانتیک شمالی، پشتیبانی می‌کنند.

سؤال دشوارتر این است که تا چه حد حملات مداوم اما گسسته، از جمله توسط یک بازیگر غیردولتی، طبق ماده ۵۱ منشور «حمله مسلحانه»^۱ محسوب می‌شود. در مجموعه‌ای از تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری، آستانه بالایی برای انواع حملاتی که استفاده فراسرزمینی از زور برای دفاع از خود را توجیه می‌کند، تعیین کرده است. از نظر دیوان، حملات پراکنده و کم‌شدت به سطحی از حمله مسلحانه نمی‌رسد که حق استفاده از نیروی فراسرزمینی را برای دفاع از خود مجاز کند.^۲ *Military and Paramilitary Activities* 1986 I.C.J. 14; ICJ, *Oil Platforms* (Iran v.) Nov. 2003; *Armed Activities*, 2005 I.C.J. 116, 19 Dec. US), 2003 I.C.J. 161, 6 (2005; *Wall Opinion*, 2004 I.C.J. 136.

مضاف بر آن، باید اذعان داشت که کشورهایمانند پاکستان در زمینه توسل به زور توسط ایالات متحده در داخل مرزهای خود اعلام رضایت نیز نکرده‌اند، بنابراین این مسئله حداقل بخشی از برنامه هدف‌گیری ایالات متحده را نامعتبر می‌کند. از سوی دیگر، فیلیپ آلستون، گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص قتل هدفمند، نیز ادعا کرده است رضایت لازم نیست، به‌ویژه در مواردی که یک کشور قادر نیست یا نمی‌خواهد مانع شورشیان از مخفی شدن و طراحی حملات از داخل مرزهای خود شود (Human Rights Council, 2010: 15). بر این اساس، حتی خارج از درگیری مسلحانه، سیاست هدف‌گیری ایالات متحده ممکن است به‌عنوان توسل استثنایی به زور، در دفاع از خود، در کنار اجرای قانون در زمان صلح توجیه شود.

۲.۲.۲. حقوق بین‌الملل بشردوستانه

محققان مکرراً بحث می‌کنند که آیا سیاست هدف‌گیری ایالات متحده آمریکا بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه مجاز است یا خیر. موضع ایالات متحده آمریکا در خصوص قانونی بودن اجرای کشتار هدفمند بر دو استدلال استوار است: اول اینکه، ایالات متحده ادعا دارد که درگیر یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی^۳ یا مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی فراسرزمینی^۴ است، بنابراین ممکن است از نیروهای مسلحانه خود علیه متخاصمان دشمن استفاده کند.^۵

1. Armed Attack

۲. درحالی‌که این رویکرد مورد انتقاد قرار گرفته است، تعداد کمی از مفسران از رویکردی حمایت کرده‌اند که استناد به حق دفاع از خود را در پاسخ به بیشتر انواع حملاتی که در خصوص کشتارهای هدفمند فراسرزمینی مورد بحث در اینجا مطرح شده است، در نظر بگیرد. چنین رویکردی ارزش ممنوعیت اساسی مندرج در ماده ۵۱ را به‌شدت کاهش می‌دهد.

3. Non International Armed Conflicts

4. Transnational Non International Armed Conflicts

۵. اوباما، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا (در سخنرانی ۲۳ می ۲۰۱۳ خود در مورد مبارزه با تروریسم) بر این دیدگاه

ایده‌توصیف جنگ علیه تروریست‌ها به‌عنوان مخاصمه مسلحانه غی بین‌المللی از سوی ایالات متحده آمریکا بر این ادعا استوار است که درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی معتبر و مداوم بین ایالات متحده و طالبان، القاعده و نیروهای وابسته به آنها وجود دارد (Fisher, 2007: 719). در خصوص این موضوع اختلاف‌نظرهای زیادی وجود دارد و کارشناسان و نظریه‌پردازان به دو دسته تقسیم می‌شوند که عده‌ای درگیری میان تروریست‌های فراملی و دولت‌ها را درگیری مسلحانه غیربین‌المللی توصیف می‌کنند و عده‌ای مخالف چنین توصیفی‌اند.

به توجه به این استدلال ایالات متحده آمریکا، در تطبیق وضعیت ایالات متحده و القاعده با معیارهای مندرج در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ بسیار دشوار است که ایالات متحده آمریکا استدلال کند که در خارج از محدوده درگیری‌های مسلحانه در افغانستان و عراق، درگیر یک مسلحانه غیربین‌المللی با القاعده، طالبان و سایر گروه‌های وابسته است، آن هم بدون توضیح بیشتر در مورد اینکه تحت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، این گروه‌ها چگونه یک درگیری مسلحانه را تشکیل می‌دهند و اینکه آیا و چگونه، هرگونه خشونت دو «طرف»^۲ می‌تواند آستانه شدت لازم برای درگیری مسلحانه را ایجاد کند. برای اینکه درگیری میان یک گروه تروریستی فراملی و یک دولت بتواند مخاصمه مسلحانه غی بین‌المللی تعریف شود، الزامات مهمی مورد نیاز است، این الزامات شامل، سازمان‌یافتگی و طرف درگیری قرار گرفتن گروه‌های تروریستی فراملی است. از این رو از آنجایی که این الزامات را در رابطه با بیشتر موارد مبارزه علیه تروریسم فراملی نمی‌توان ثابت کرد، نمی‌توان کشتارهای هدفمند وقوع‌یافته در جریان

تأکید و اظهار کرد که هم بر اساس قوانین داخلی و هم بین‌المللی، ایالات متحده در حال جنگ با القاعده، طالبان و نیروهای مرتبط با آنهاست. در این خصوص ر. ک:
<https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2013/05/23/remarks-president-national-defense-university>

۱. معیارهای مندرج در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی دوم عبارت‌اند از:

- ۱- گروه مسلح غیردولتی (تروریستی) باید بر اساس معیارهایی که عینی و قابل اطمینان هستند شناسایی شوند. علاوه بر آن، ضروری است که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، بتواند به‌طور معناداری اعمال شود و به این ترتیب کشورها بتواند تعهدات خود مبنی بر تمایز بین اهداف قانونی و غیرنظامیان را اجرا کنند.
- ۲- باید حداقل آستانه لازم از شدت و مدت زمان طولانی وجود داشته باشد. آستانه خشونت و یا شدت در این درگیری‌ها، بالاتر از آستانه مورد نیاز برای وجود درگیری مسلحانه بین‌المللی است.
- ۳- محدوده و قلمرو این عملیات، محدود به قلمرو یک دولت و بین نیروهای مسلح متعلق به دولت و گروه غیردولتی باشد و درگیری‌های فراملی، در فراتر از مرزهای یک کشور باشد (ماده ۲ مشترک). با وجود این این به معنای آن نیست که نیازی به هیچ‌گونه ارتباط سرزمینی نیست.

آن را نیز با قوانینی که برای درگیری مسلحانه غیربین‌المللی اعمال می‌شود، ارزیابی کرد (منفرد، ۱۳۹۷: ۱۳۷). از این رو به‌طور کلی حملات علیه گروه‌های تروریستی با اجرای راهبرد کشتار هدفمند به درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی منجر نمی‌شوند، بنابراین، هیچ جنگ مشروعی علیه تروریست‌های فراملی وجود ندارد. به عبارت دیگر، ممکن است عناصری از درگیری‌های مسلحانه در اجرای این راهبرد نیز وجود داشته باشد، اما همه جنبه‌های تروریسم، یک درگیری مسلحانه را ایجاد نمی‌کند، از این رو همه تروریست‌ها یک هدف نظامی مشروع محسوب نمی‌شوند، بلکه هدف قرار دادن تروریست‌های فراملی تنها در شرایط محدود می‌تواند رخ دهد.

استدلال دیگر آمریکا، یعنی درگیری‌های مسلحانه فراملی، مربوط به درگیری‌هایی است که یک دولت (دولت خارجی) در قلمرو یکی دیگر از دولت‌ها (دولت سرزمینی) متوسل به زور می‌شود که در درجه اول، این زور علیه دولت سرزمینی هدایت نمی‌شود، بلکه علیه گروه مسلحانه مستقر در آن کشور اعمال می‌شود (Akande, 2012: 32).

مفهوم منازعات مسلحانه فراملی غیربین‌المللی در حقوق بین‌الملل مورد مناقشه است.^۱ ایده توصیف درگیری میان بازیگران غیردولتی تروریستی و یک دولت، با استناد به تفسیر موسع از ماده ۳ مشترک مقرر داشته‌اند که عبارت «هرگونه مخاصمه با ویژگی غی بین‌المللی» در ماده ۳ مشترک، بر هرگونه مخاصمات مسلحانه که واجد ویژگی بین‌المللی نباشد، قابلیت اعمال می‌یابد و در این صورت دست به ایجاد دسته جدیدی از مخاصمات در کنار مخاصمات تعریف‌شده کلاسیک حقوق بشردوستانه می‌زنند (Trevisan, 2015: 8).

این استدلال ایالات متحده از درگیری میان خود و القاعده در فراتر از مرزهای خود، دارای ابهامات اساسی است؛ اول اینکه، ابهام چالش‌برانگیز در معیارهای قابل اعمال کنوانسیون‌های ژنو است، زیرا این درگیری در چارچوب هیچ کدام از مواد ۲ و ۳ مشترک قرار نمی‌گیرد. ابهام دوم اینکه، حتی اگر تصور بر این باشد که مخاصمات در محدوده قابلیت اعمال و یا کاربرد این کنوانسیون‌ها قرار دارند، دولت آمریکا ادعا می‌کند که تروریست‌های القاعده «رزمندگان غیرقانونی دشمن»^۲ هستند که از هیچ حمایتی برخوردار نیستند (منفرد، ۱۳۹۷: ۱۴۸).

به‌طور کلی، طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه موجود، بر خلاف مخاصمات تعریف‌شده کلاسیک، مخاصماتی تحت این عنوان در هیچ مقرره حقوق بین‌الملل قراردادی تعریف نشده است و طبق حقوق

۱. این نوع درگیری‌ها توسط دادگاه عالی ایالات متحده در قضیه حمدان علیه رامسفلد تصویب و در یک سری سخنرانی توسط مقامات دولت اوباما تأیید شد.

2. Unlawful Combatant

بین الملل بشردوستانه موجود، جامعه جهانی هنوز در چارچوب مفهومی دوگانه از مخاصمات مسلحانه قرار دارد و از این رو پذیرش چنین تفسیر موسعی تأیید نشده است.

۳. طراحی فهرست کشتار هدفمند

با توجه به توجیهات قانونی مشخص شده در بالا، افراد اضافه شده به فهرست‌های کشتار ممکن است به سه دسته تقسیم شوند: ۱. اهدافی که در چارچوب افراد مورد تصریح در مجوز توسل به زور نظامی کنگره قرار می‌گیرند؛ ۲. اهدافی که در چارچوب یافته‌های قانون اقدام مخفی قرار دارند و ۳. اهدافی که در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی با ایالات متحده مشارکت دارند.

۳.۱. ایجاد فهرست کشتار

شرح فرایند هدف‌گیری در اینجا بر اساس دکترینی است که در نشریه مشترک وزارت دفاع تحت عنوان «سند دکترین مشترک جامع»^۱ بیان شده است. این سند، که تحت نظارت رئیس ستاد مشترک ارتش^۲ تهیه شده، راهنمایی‌های دقیقی را در مورد نحوه اجرای عملیات «برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای هدف‌گیری مشترک» توسط ایالات متحده ارائه می‌دهد (منزوی، ۱۳۸۷: ۱۹۶). با دستورالعمل‌های منتشرشده توسط رئیس ستاد مشترک ارتش، این کتابچه، فرایند هدف‌گیری، از انتخاب هدف تا تحقیقات پس از حمله را روشن می‌کند. با این حال، توجه به این نکته مهم است که این سند در بهترین حالت، توصیفی تقریبی از روش‌های هدف‌گیری فعلی است. علاوه بر تفاوت‌های مشترک بین آنچه قوانین روی کاغذ می‌گویند، مشخص نیست که چگونه این قوانین با دستورالعمل‌های اعلام‌شده کاخ سفید در خصوص مثلاً میزان اطمینان مورد نیاز برای ارزیابی یک هدف، تعامل دارند. حتی در داخل ارتش، بسیاری از دستورالعمل‌های ستاد مشترک ارتش به‌طور عمومی در دسترس نیستند. از این رو این سند، برای پاسخ دادن به پرسش‌های مهمی مانند اینکه چه کسی ممکن است تحت حقوق جنگ، هدف قرار گیرد، در نظر گرفته نشده است (Pearlstein, 2013: 11).

سند مذکور، همچنین بین عملیات هدف‌گیری عمدی (شامل اهداف برنامه‌ریزی‌شده و یک چارچوب زمانی غیرضروری مثلاً یک روز یا بیشتر) و عملیات پویا (که معمولاً شامل عملیاتی است که باید در عرض ۲۴ ساعت انجام شود، از جمله در برابر اهداف پیش‌بینی‌نشده) تمایز قائل می‌شود. بسیاری از عملیات هدف‌گیری ایالات متحده در سال‌های اخیر، ماهیت عمدی داشته‌اند؛ برای مثال شهروند

1. Joint Publication 3-60, Joint Doctrine for Targeting, 17 January 2002, Available at: https://www.bits.de/nraneu/other/Jp-Doctrine/Jp3_60%2802%29.pdf

2. Joint Chiefs of Staff (CJCS)

آمریکایی، انور العولقی^۱، ظاهراً یک سال یا بیشتر قبل از کشته شدن توسط یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی در یمن در فهرست‌های هدف قرار گرفته بود. این یک ویژگی اصلی دکترین هدف قرار دادن، حداقل در یک محیط درگیری مسلحانه بوده است. در عین حال، فرایند هدف‌گیری عمدی نیز به‌طور کلی در هدف‌گیری پویا دنبال می‌شود. اگرچه ممکن است فرایندها به‌طور چشمگیری در هدف‌گیری پویا «فشرده»^۲ شوند، همیشه نوعی فرایند شناسایی مثبت وجود دارد.^۳ (JP 3-60, 2002, at J-3). قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه، در هر شرایطی ایجاب می‌کند که دولت‌ها بین غیرنظامیان و جنگجویان تمایز قائل شوند و فقط جنگجویان را هدف قرار دهند. هدف قرار دادن غیرنظامیان، جنایت جنگی^۴ است (JP 3-60, 2002, at A2). از این‌رو همه این انطباق‌ها قابل اجرا نیستند.

مقررات نظامی که قواعد حقوق بین‌الملل را اجرا می‌کند، نقطه شروع مهمی برای تجزیه و تحلیل یک فرایند قانونی است. اگر ارتش تشخیص داده باشد که می‌تواند حداقل به این سطح از روند پیش از محرومیت‌زدایی پایبند باشد، در این صورت این فرایند ممکن است حداقل قانون اساسی مفیدی را فراهم کند که هر سازمان هدفدار آمریکایی باید به آن پایبند باشد. بررسی فرایند هدف‌گیری عمدی همچنین رویه شایان توجهی را که از قبل در عملیات ایالات متحده وجود دارد، نشان می‌دهد، رویه‌ای که بسیاری از عملکردهای آن مشابه رویه اداری است، همانند جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل، توجیه و تصمیم‌گیری. بنابراین، تعارض بین هرگونه فرایند محرومیت‌زدایی و نقشی را که قانون از قبل در رابطه با هدف‌گیری روزانه ایفا می‌کند، تصحیح می‌کند (Pearlstein, 2013: 12).

۲.۳. اضافه شدن افراد به فهرست کشتار

به‌طور معمول مراحل اولیه در رابطه با هدف‌گیری فرد مظنون مبهم است، چراکه پیشنهادها ممکن است از گستره وسیعی از مؤلفه‌های دولتی استفاده کرده باشند. هنگامی که یک فرد توسط یک فرماندهی به‌عنوان یک هدف انتخاب می‌شود، توصیف فرایند استاندارد در خصوص بررسی و اعتبار سنجی آن آسان‌تر می‌شود. بررسی توسط یک گروه بین‌سازمانی متشکل از مقامات نظامی و اطلاعاتی انجام می‌شود که صحت اطلاعات در خصوص قرار دادن آن فرد در فهرست هدف را ارزیابی می‌کنند. گروه بین‌سازمانی با تکیه بر اطلاعات موجود در خصوص آن هدف، سایر اطلاعات، نظیر اطلاعات عملیاتی، برنامه‌ریزی و قانونی را در یک پوشه هدف الکترونیکی^۵ جمع‌آوری و ذخیره می‌کنند تا بر

1. Anwar Al Awlaki

2. Compressed

۳. در یک محیط هدف‌گیری پویا، جلسات بررسی هدف به‌خوبی سازمان‌دهی شده و به‌دلیل زمان‌بندی فشرده‌شده بسیار مهم‌اند.

4. War Crime

5. Electronic Target Folder (ETF)

اساس آن، هویت فرد مورد هدف و مکان هدف‌گیری را تأیید کنند. مجدداً در بررسی بین‌سازمانی، در مورد اینکه آیا برای اجرای هدف‌گیری اقدام کنند یا خیر، رأی‌گیری کرده‌و آرا را در پوشه الکترونیکی ثبت می‌کنند (JP 3-60, 2002, at II-5 – II-10).

فهرست تهیه‌شده توسط نهاد بین‌سازمانی بررسی و سپس برای اعتبارسنجی به هیأت هماهنگی هدف‌گذاری مشترک^۱ ارسال می‌شود. این سازمان، ارزیابی می‌کند که آیا هدف با اهداف فرماندهی مطابقت دارد یا خیر و آیا هدف طبق حقوق جنگ و قواعد موجود درگیری مسلحانه، قانونی است یا خیر (Mcneal, 2014: 705).

مسئولان «شناسایی مثبت»^۲ موظف‌اند با اطمینان ثابت کنند که هدف تعیین‌شده، از نظر خصوصی و جغرافیایی، یک هدف نظامی قانونی و مطابق با قواعد جنگ و قوانین مربوط به درگیری است. این مسئولان، تعهدات مستقلاً دارند تا با اطمینان به این نتیجه برسند که هدف تعیین‌شده، از نظر واقعیت و قانون مناسب است. دستورالعمل‌های کاخ سفید که معیارهایی را برای عملیات ضدتروریستی در خارج از مناطق خصمانه فعال تعیین می‌کند، نشان می‌دهد که باید دقت و اطمینان بیشتری به‌کار گرفت. همچنین با شروع بررسی و اعتبارسنجی در خصوص هدف تعیین‌شده، دستورالعمل‌های کاخ سفید از همان بازیگران می‌خواهد که نگرانی‌های احتمالی را در هدف‌یابی، با استفاده از روشی به نام برآورد خسارت جانبی^۳ شناسایی کنند (Additional Protocol I, 1977). پس از تکمیل فرایند اعتبارسنجی، هیأت هماهنگی هدف‌گذاری مشترک، نام افراد تعیین‌شده را در فهرست هدف‌گیری جدید قرار می‌دهد.

۳.۳. ویژگی افراد مورد هدف در فهرست کشتار

مرحله تعیین هدف در عملیات کشتار هدفمند، شامل تصمیم‌گیری در مورد این مسئله است که آیا یک هدف به‌صورت بالقوه، معیارهای تعیین‌شده برای توسل به زور مرگبار را برآورده می‌کند یا خیر. اولین قدم این است که آیا یک هدف، به‌صورت بالقوه معیارهای تهدید را برآورده می‌کند یا خیر. به‌عنوان یک موضوع مهم، هدف باید عضوی از سازمانی باشد که طبق قواعد بین‌المللی و داخلی، صلاحیت قانونی توسل به زور علیه آن وجود داشته باشد. دولت اوپاما هدف‌گیری مرگبار اعضای القاعده و وابستگان یا

1. Joint Targeting Coordination Board (JTCB)

2. Positive Identification (PID)

مسئولان شناسایی مثبت عبارت‌اند از: همه فرماندهان، ناظران، مدیران نبرد هوایی، مدیران تسلیحات، کنترل‌کننده‌های حمله، اپراتورهای سیستم‌های تسلیحاتی، تحلیلگران اطلاعاتی و پرسنل هدف.

3. Collateral Damage Estimation (CDE)

خسارات جانبی، اطمینان از اعمال نیروی کافی برای ایجاد تأثیرات موردنظر و در عین حال به حداقل رساندن آسیب‌های جانبی و اتلاف منابع است.

نیروهای مرتبط با آن را مطرح کرد (Trenta, 2017: 84). نشانه‌هایی وجود دارد که روشن می‌سازد دولت ترامپ دیدگاه گسترده‌تری در این خصوص اتخاذ کرده است. برای مثال در ژانویه ۲۰۲۰، دولت ترامپ یک حمله مرگبار موفقیت‌آمیز علیه سرلشکر قاسم سلیمانی در عراق انجام داد. اگرچه آمریکا سردار سلیمانی را تروریست توصیف می‌کرد، اما وی به القاعده وابسته نبود (Savage, 2022: 1).

برای هدف قرار گرفتن یک فرد، لازم است که آن فرد، تهدید مستمر و قریب‌الوقوعی را برای افراد آمریکایی ایجاد کند. دستورالعمل سیاست ریاست جمهوری، این استاندارد را تعریف نمی‌کند، اما دولت اوباما توضیح داد که همه تروریست‌های خارج از کشور این تهدید را ایجاد نمی‌کنند. به‌طور کلی، کسانی که یک تهدید مستمر و قریب‌الوقوع ایجاد می‌کنند شامل رهبران عملیاتی ارشد یک سازمان، کسانی که مهارت‌های عملیاتی منحصربه‌فردشان (مانند ساخت بمب) آنها را به یک تهدید خاص تبدیل می‌کند یا دیگری که فعالانه برای حملات علیه ایالات متحده برنامه‌ریزی می‌کنند، است. طبق گزارش‌ها، دولت ترامپ، معیار «تهدید مستمر و قریب‌الوقوع»^۱ را حذف کرد، اما مشخص نیست که چه استانداردی را برای تعیین اینکه آیا یک فرد تهدیدی کافی برای هدف‌گیری با نیروی مرگبار است، اتخاذ کرده است (DeRosa & Regan, 2021: 66). در ژانویه ۲۰۲۱، دولت جدید بایدن رهنمودهای دولت ترامپ را به حالت تعلیق درآورد و بازنگری در سیاست هدف‌گیری را آغاز کرد. در اول اکتبر، ایالات متحده یازدهمین حمله هوایی خود در سال ۲۰۲۲ را در سومالی انجام داد. در این حمله هدف موردنظر، عبداللهی نادر^۲، رهبر الشباب کشته شد (Rodde, 2022).

دستورالعمل ریاست جمهوری، شامل محدودیت‌های سیاستی مهم، در خصوص مرحله عملیاتی هدف‌گیری مرگبار است. این امر مستلزم «تقریباً قطعی»^۳ است که هم فرد موردنظر در صحنه حضور داشته باشد و هم اینکه در حمله، غیرنظامیان مجروح یا کشته نخواهند شد. دستورالعمل، همچنین فقط در صورتی اجازه هدف‌گیری را می‌دهد که دستگیری در زمان عملیات غیرممکن باشد و هیچ جایگزین منطقی برای مقابله با تهدیدی که هدف ایجاد می‌کند، وجود نداشته باشد. علاوه بر این، دستورالعمل، به این احتمال که یک عملیات، حاکمیت کشوری را که در آن حمله برنامه‌ریزی شده است، نقض می‌کند یا نه می‌پردازد. اگر کشوری به حمله در قلمرو خود رضایت نداده باشد، برنامه‌ریزان تنها در صورتی می‌توانند عملیات را پیش ببرند که مقامات دولتی مربوطه در کشور «نتوانند یا نخواهند»^۴ به‌طور مؤثر به تهدید علیه افراد آمریکایی رسیدگی کنند (DeRosa & Regan, 2021: 64).

1. Continuing, Imminent Threat

2. Abdullahi Nadir

3. Near Certainty

4. Cannot or Will Not

استانداردها و فرایندهای محدودکننده دستورالعمل‌ها، فقط برای حملات پیشنهادی که خارج از «مناطق مخاصمه فعال»^۱ انجام می‌گیرد، اعمال می‌شود. دستورالعمل، مشخص نمی‌کند که چه چیزی مناطق مخاصمه فعال را تشکیل می‌دهد. در ابتدا این اصطلاح فقط برای اشاره به درگیری‌های افغانستان و عراق به کار می‌رفت، اما به مرور زمان چندین مکان دیگر به این عنوان تعیین شد و در نتیجه از الزامات محدودتر دستورالعمل حذف شد. برنامه عملیاتی قبل از تصویب نهایی در داخل قوه مجریه مورد بازنگری سیاسی و قانونی قرار می‌گیرد. قوه مجریه تعامل بیشتری با کنگره آمریکا در این زمینه داشته است. دستورالعمل، مستلزم اطلاع‌رسانی به کمیته‌های مربوطه کنگره در مورد برنامه‌های عملیاتی جدید برای هدف‌گیری مرگبار یا تغییرات در آن برنامه‌هاست (DeRosa & Regan, 2021: 64).

۴.۳. پاسخگویی حقوقی در اجرای کشتار هدفمند

ناتوانی کشورها در رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشر و تعهدات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در ارائه پاسخگویی در قبال کشتار هدفمند، موضوع نگرانی عمیقی است. امتناع کشورهای که کشتار هدفمند انجام می‌دهند از ارائه پاسخگویی در مورد سیاست‌های خود، چارچوب حقوقی بین‌المللی را که توسل به زور کشنده غیرقانونی علیه افراد را محدود می‌کند، نقض می‌کند. با این حال، پاسخگویی در زمینه درگیری‌های مسلحانه یا سایر شرایطی که نگرانی‌های امنیتی ایجاد می‌کند ممکن است آسان نباشد. کشورها ممکن است دلایل تاکتیکی یا امنیتی برای عدم افشای معیارهای انتخاب اهداف داشته باشند. اما بدون افشای معیار قانونی و همچنین مبانی برای انتخاب اهداف خاص (منطبق با نیازهای امنیتی واقعی)، کشورها در خلأ پاسخگویی عمل می‌کنند. جامعه بین‌المللی نمی‌تواند قانونی بودن یک قتل را تأیید یا اطمینان حاصل کند که کشتار هدفمند غیرقانونی به مصونیت از مجازات منجر نمی‌شود. از این رو این واقعیت که هیچ استاندارد یکسانی برای چنین افشاگری وجود ندارد، کشورها را از نیاز به اتخاذ سازوکار پاسخگویی مبرا نمی‌کند.

۴.۳.۱. مفهوم پاسخگویی

پاسخگویی^۲ به یک حوزه گسترده‌تر از حوزه ملی برای یک سازوکار پاسخگویی در رابطه با راهبرد

1. Areas of Active Hostilities

2. Accountability

رابطه بین مسئولیت و پاسخگویی مهم است. هر دو اصطلاحی هستند که اغلب مترادف در نظر گرفته می‌شوند و به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. با این حال، آنها در واقع معانی بسیار متمایز دارند. مسئولیت اساساً وظیفه پاسخگویی و تکمیل وظایف است و پاسخگویی به معنای واقعی کلمه توانایی و/یا وظیفه گزارش (یا توضیح دادن) در مورد

کشتار هدفمند استوار است. این اصطلاح دلالت بر آن دارد که برخی از بازیگران این حق را دارند که بازیگران دیگر را به مجموعه‌ای از استانداردها ملتزم نگه‌دارند و قضاوت کنند که آیا مسئولیت‌های خود را با توجه به این استانداردها انجام داده‌اند یا خیر و در صورتی که تشخیص دهند که این مسئولیت‌ها رعایت نشده است، مجازات‌هایی را اعمال کنند. پاسخگویی لزوماً یک اصطلاح قدرت است؛ کسانی که می‌توانند سیاستگذاران را مسئول بدانند، بر آنها اعمال قدرت می‌کنند. بدین معنا که ظرفیت تحمیل هزینه به سیاستگذاران و افزایش احتمال پاسخگویی سیاستگذاران به خواسته‌های آنها را دارند. از آنجایی که اثربخشی پاسخگویی به زمینه هر مورد بستگی دارد، باید پویا باشد. نهادهای ذی‌ربط باید این ظرفیت را داشته باشند که در طول زمان کفایت اهداف و تناسب استانداردهای فعلی برای دستیابی به آنها را مورد ارزیابی مجدد قرار دهند (Buchanan & Keohane, 2015: 25).

علاوه بر این، اهداف سازوکار پاسخگویی به دو دلیل باید به‌صراحت از استانداردهای ایجادشده برای دستیابی به آن اهداف متمایز شود؛ اول اینکه، اهداف سازوکار پاسخگویی ممکن است به همان اندازه توسط استانداردهای مختلف به‌خوبی برآورده شوند؛ دوم، ضروری است رویه‌هایی که باید دنبال شوند برای عاملان روشن باشد، به‌طوری که آنها مجبور نباشند در مورد اینکه آیا با اقدامات خاصی به اهداف مشخص شده دست می‌یابند، قضاوت کنند، زیرا این قضاوت‌ها احتمالاً بسیار ذهنی و مغرضانه‌اند. بنابراین، برای دستیابی به اهداف پاسخگویی، ممکن است صرفاً اصرار بر اینکه عاملان از استانداردهای رفتاری مشخصی پیروی کنند، مطلوب باشد. بنابراین دستیابی به اهداف پاسخگویی با استانداردهای متعدد پاسخگویی سازگار است. (Buchanan & Keohane, 2015: 26)

۳.۴.۲. پاسخگویی حقوقی در چارچوب سیاست کشتار هدفمند

در حال حاضر، محوریت مفهوم پاسخگویی در زمینه‌های روابط بین‌الملل به‌طور گسترده پذیرفته شده است و ادبیات رو به رشدی در مورد سازوکارهای پاسخگویی حقوقی بین‌المللی وجود دارد، اما این ابعاد حقوق بین‌الملل، پاسخگویی دولت برای فعالیت‌های فراسرزمینی سازمان‌های اطلاعاتی آنهاست که در اینجا مورد توجه اصلی است. شاید رایج‌ترین انتقاد از سیاست کشتار هدفمند این باشد که این روند غیرقابل پاسخگویی است، زیرا قتل‌ها خارج از دسترس دادگاه‌هاست و مقامات قوه مجریه را در مقام «قاضی و هیأت منصفه» قرار می‌دهد. برای ارزیابی کفایت پاسخگویی حقوقی، لازم است ابتدا مشخص شود که منظور از این اصطلاح چیست. به تعبیری، پاسخگویی حقوقی رابطه بین یک طرف کنترل‌کننده خارج از اعضای سازمان و طرف خارجی که دارای قدرت اعمال مجازات است، می‌باشد.

بنابراین، فرض این است که رابطه پاسخگویی حقوقی، از منابع برون‌زا ناشی می‌شود که درجه بالایی از کنترل و بررسی دقیق بر کشتار هدفمند را اعمال می‌کنند (Mcneal, 2014: 763). بدان معنا که بازیگران خارجی (کسانی که مسئول تصمیم در خصوص قتل هدفمند خاصی نیستند) مبنای مستقلى، برای بررسی دقیق عملکرد مجریان کشتار هدفمند خواهند داشت.

بنابراین، سازوکارهای حقوقی پاسخگویی در مورد کشتار هدفمند می‌تواند در تئوری، شامل دادگاهی باشد که رویه‌ها یا تصمیمات اداری را بررسی می‌کند، کمیته قانونگذاری که وظیفه نظارتی خود را اعمال می‌کند (شکلی از مسئولیت‌پذیری حقوقی و سیاسی)، یک دادگاه بین‌المللی که به دنبال بررسی موارد نقض حقوق بین‌الملل است. این در حالی است که در عمل، بازنگری قضایی اغلب برای قتل‌های هدفمند وجود ندارد، نظارت قانونی، گسترده اما غیرشفاف است و دادگاه‌های بین‌المللی از نظر قانونی و عملی از تحقیق درباره رفتار نیروهای آمریکایی محروم‌اند.

۳.۴.۲.۱. بررسی قضایی تصمیمات هدفمند

منتقدان مدت‌هاست که از عدم نظارت قضایی در زمینه تصمیمات هدف‌گیری اتخاذشده توسط ایالات متحده ابراز تأسف کرده‌اند. سه مورد اخیر نشان می‌دهد که چگونه دکترین ثابت، بازبینی قضایی تصمیمات هدف‌گیری را ممنوع کرده است. جدیدترین مورد برای رسیدگی به برنامه کشتار هدفمند دولت ایالات متحده، بلال عبدالکریم علیه جینا هاسپل، مدیر آژانس اطلاعات مرکزی (سیا) و دیگران در سال ۲۰۲۱ و قبل از آن پرونده العولقی علیه اوپاما در سال ۲۰۱۰ است. با این حال، پیش از این دو مورد، شکایت شرکت صنایع دارویی الشفا علیه ایالات متحده، که در سال ۲۰۱۰ تصمیم‌گیری شد، اما منشأ واقعی خود را در دوره دولت کلینتون داشت، قابل طرح است.

در آگوست ۱۹۹۸، سفارتخانه‌های ایالات متحده در کنیا و تانزانیا توسط تروریست‌های وفادار به اسامه بن‌لادن بمباران شد. در اقدامی تلافی‌جویانه، رئیس‌جمهور کلینتون، دستور حمله موشکی به کارخانه داروسازی الشفا در خارطوم سودان را صادر و استدلال کرد که این کارخانه پایگاهی برای تروریسم است. بعدها ثابت شد که این طرح هیچ ارتباطی با تروریست‌ها ندارد (Mauri, 2020: 9)، در نتیجه این اشتباهات در هدف‌گیری، شرکت صنایع دارویی الشفا، مالک کارخانه و صلاح‌الدین احمد محمد ادریس^۱، مالک اصلی الشفا، شکایت کردند و مدعی شدند که حمله به کارخانه یک اشتباه بوده است و خواستار ۵۰ میلیون دلار به‌عنوان غرامت عادلانه شدند. این شکایت به این دلیل رد شد که

1. Salah El Din Ahmed Mohammed

«هدف نیروی نظامی دشمن»^۱ حق دریافت غرامت برای تخریب اموالی را که توسط رئیس‌جمهور به‌عنوان اموال جنگ‌افروزی دشمن تعیین شده است، ندارد (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 55 Fed. Cl. 751, 774 (2003)). دادگاه استیناف ایالات متحده برای حوزه فدرال تأیید و اعلام کرد که ادعای شاکی یک سؤال سیاسی^۲ توجیه‌ناپذیر را ایجاد کرده (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 378 F.3d 1346, 1361-70 (Fed. Cir. 2004)). دیوان عالی نیز ادعا را رد می‌کند (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 545 U.S. (2005)). علی‌رغم سوابق واقعی که حاکی از آن بود که حمله به کارخانه داروسازی یک تصمیم هدف‌گیری نادرست بود، شاکیان از جبران خسارت برای تخریب اموال خود بر اساس قانون اساسی محروم شدند. از این‌رو پاسخگویی قضایی برای تصمیمات هدف‌گیری نادرست در بدو ورود نافرجام به‌نظر می‌رسید.^۳

با این حال، شاکیان منصرف نشدند و شکایتی را علیه دولت مطرح کردند و خواستار غرامت ۵۰ میلیون دلاری برای تحقیقات ناموفقی بودند که این کارخانه را به القاعده مرتبط می‌کرد (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 402 F. Supp. 2d 267, 269-70 (D.D.C. 2005)). آنها همچنین ادعایی را بر اساس قوانین کشورها دنبال کردند که به‌دنبال اعلامیه قضایی بودند مبنی بر اینکه ایالات متحده با عدم پرداخت غرامت به‌سبب تخریب اموالشان، قوانین بین‌المللی را نقض کرده است و ادعای دیگری برای افترا به این کارخانه ارائه کردند (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 402 F. Supp. 2d 267, 269-70 (D.D.C. 2005)). دادگاه منطقه‌ای درخواست دولت را برای رد شکایت به‌دلیل عدم صلاحیت موضوعی مبتنی بر مصونیت حاکمیتی پذیرفت. دادگاه همچنین خاطرنشان کرد که این شکایت «احتمالاً یک سؤال سیاسی توجیه‌ناپذیر را مطرح کرده است» (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 402 F. Supp. 2d 267, at 270-73, (2005)). پس از آن شاکیان تجدیدنظر خود را به یک پنل تقسیم‌شده از دادگاه منطقه‌ای از دست دادند (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, 559 F. 3d 578 (D.C. Cir. 2009)). اما پرونده متعاقباً مجدداً رسیدگی شد. دادگاه با حضور همه قضاات تشکیل شد و اظهار کرد که:

پرونده در دست بررسی، به حمله نظامی در خارج از کشور مرتبط است. با تحلیل و بررسی سؤال مطرح‌شده توسط ادعاهایی که شاکیان در دادگاه تجدیدنظر مطرح می‌کنند، نتیجه می‌گیریم که هر دو،

1. The Enemy Target of Military Force

2. Political Question

3. See Vladeck, Stephen, Targeted Killing and Judicial Review, The George Washington Law Review Arguendo, 2014.

سؤال سیاسی توجیه‌نشدنی را مطرح می‌کنند. قانون ملی از دادگاه می‌خواهد تصمیم بگیرد که آیا حمله ایالات متحده به نیروگاه «اشتباه و توجیه‌نشدنی» بوده است یا خیر. ادعای افترا به‌طور مشابه ما را ملزم می‌کند که اعتبار واقعی دلایل اعلام‌شده دولت برای حمله را تعیین کنیم. اگر دکرترین مسئله سیاسی در عرصه امنیت ملی و روابط خارجی معنایی داشته باشد، به این معناست که دادگاه نمی‌تواند صحت تصمیم رئیس‌جمهور برای حمله به یک هدف خارجی را ارزیابی کند (El-Shifa Pharm. Indus. Co. v. United States, at 844).

به‌طور خلاصه، تصمیم‌های مبنی بر هدف‌گیری افراد تعیین‌شده در فهرست کشتار، حداقل از نظر دادگاه‌های مذکور در این مورد خاص، موضوع مناسبی برای سازوکارهای پاسخگویی حقوقی نیست. استدلال مشابه کارخانه الشفا در پرونده سال ۲۰۱۰ العولقی علیه اوباما تکرار شد. شکایت ناصر العولقی، پدر انور، حمله قریب‌الوقوع به العولقی را به‌عنوان یک اقدام غیرقانونی دفاع از خود علیه یک فرد نشان می‌دهد. در دسامبر ۲۰۱۰، جان بیتس^۱، قاضی دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده، شکایت پدر آقای العولقی را رد کرد. قاضی بیتس معتقد بود که پدر العولقی فاقد مقام بوده و این تصمیم تحت دکرترین پرسش سیاسی غیرقابل تجدیدنظر است (Dehn, 2011: 176)، از این‌رو دادگاه اظهار کرد:

حل قضایی «سؤالات خاص» طرح‌شده توسط شاکی در این پرونده، این دادگاه را ملزم به تصمیم‌گیری در موارد زیر می‌کند: ۱. ماهیت و میزان دقیق وابستگی انور العولقی به القاعده؛ ۲. آیا القاعده در شبه‌جزیره عربی^۲ و القاعده آنقدر به هم مرتبط‌اند که قتل هدفمند انور العولقی توسط متهمان در یمن در چارچوب درگیری مسلحانه کنونی ایالات متحده با القاعده باشد؛ ۳. آیا (با فرض اینکه معیار قانونی پیشنهادی شاکی اعمال شود) فعالیت تروریستی ادعایی انور العولقی او را به «تهدیدی مشخص و قریب‌الوقوع برای جان یا امنیت فیزیکی» تبدیل می‌کند؛ ۴. آیا «ابزار کمتر کشنده‌ای»^۳ وجود داشته

1. Judge John Bates

۲. القاعده در شبه‌جزیره عربستان، یک گروه شبه‌نظامی افراطی فعال در یمن و عربستان سعودی است. القاعده در شبه‌جزیره عربستان در سال ۲۰۰۹ از درون القاعده در یمن (ای کیو وای) و همتای سعودی آن تشکیل شد. این گروه فعال‌ترین شاخه این شبکه تروریستی محسوب می‌شود. این گروه از سوی نه کشور، اتحادیه اروپا، و سازمان ملل متحد به‌عنوان یک سازمان تروریستی تعیین شده است. این گروه در اوایل سال ۲۰۱۲ و پس از برکنار شدن علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری یمن از سمت خود، توانست در جنوب یمن برای خود پایگاهی پیدا کند. از سال ۲۰۱۵ و از زمان درگیر شدن این کشور در یک جنگ داخلی، القاعده در شبه‌جزیره عربستان تلاش کرده است تا با اشغال المکلا در استان حضرموت و عزان و بلحاف در استان شبوه، شبه دولت خود را در جنوب توسعه بخشد. نیروهای یمنی در سال ۲۰۱۶ بار دیگر کنترل این مناطق را به دست گرفتند.

3. Means Short of Lethal Force

که ایالات متحده می‌توانسته به‌نحو «معقولانه»^۱ برای مقابله با هرگونه تهدیدی که انور العولقی برای منافع امنیت ملی ایالات متحده ایجاد می‌کند، استفاده کند (Al-Aulaqi v. Obama, at 45-46).

از نظر دادگاه، چنین تصمیماتی، به نوبه خود، دادگاه را ملزم به درک و ارزیابی «قابلیت‌های عامل تروریستی برای انجام یک حمله، پاسخ کافی برای رسیدگی به آن تهدید و ملاحظات دیپلماتیک احتمالی می‌کند، که ممکن است بر چنین پاسخ‌هایی تأثیر بگذارد». همچنین در دسترس بودن گزینه‌های نظامی و غیرنظامی و خطرهایی که برای کارکنان نظامی و غیرنظامی در تلاش برای اعمال نیروی غیرکشنده وجود دارد. با نگاهی به این ملاحظات، مشخص می‌شود که ادعاهای شاکی دقیقاً از نوع سؤالات پیچیده سیاسی است که دادگاه آن را تحت دکتین سؤال سیاسی توجیه‌نشده می‌داند (Complaint, Al- (Aulaqi v. Panetta, No. 12-1192, 2012 WL 3024212 (July 18, 2012).

در ۳۰ مارس ۲۰۱۲، کریم^۲ و همکارش احمد موفق زیدان^۳، در دادگاه ناحیه کلمبیا در ایالات متحده ادعا کردند که دولت ایالات متحده به‌اشتباه آنها را به‌عنوان تروریست و اهداف قانونی برای توسل به زور مرگبار معرفی کرده است. دادگاه شکایت زیدان را به‌دلیل عدم حضور رد کرد و به این نتیجه رسید که ادعاهای وی در مورد آسیب قریب‌الوقوع با درج نام او در فهرست کشتار، پذیرفته نمی‌شود (Kareem v. Haspel, 412 F. Supp. 3d 52). کریم، که نام او نیز در این فهرست دیده می‌شد، توانست با اشاره به پنج حمله تقریباً ازدست‌رفته در یک دوره سه‌ماهه، آسیب قریب‌الوقوع را نشان دهد و ایستادگی کند. در دادگاه منطقه، کریم با ارائه استدلال‌های متعددی تصمیم دولت ایالات متحده برای قرار دادن او در فهرست قتل را به چالش کشید و مدعی شد که این تصمیم ناقض فرمان اجرایی ممنوعیت ترور افراد در خارج از کشور، نقض قوانین بین‌المللی، اقدام خودسرانه آژانس طبق قانون اساسی و قانون آیین دادرسی اداری است (Kareem v. Haspel, 412 F. Supp. 3d at 85-91).

دادگاه همه ادعاهای مبتنی بر قانون اساسی را به‌عنوان سؤالات سیاسی توجیه‌نشده رد کرد. در رد ادعاهای مبتنی بر قانون آیین دادرسی اداری، دادگاه استدلال کرد که این ادعا توجیه‌نشده است، زیرا «راهنمای سیاست ریاست جمهوری» هیچ معیار یا استاندارد ارائه نمی‌دهد که قبل از اینکه دولت بتواند فردی را به فهرست کشتار اضافه کند، باید اتخاذ کند. از این‌رو هیچ معیار قضایی قابل قبولی وجود نداشت که بر اساس آن دادگاه بتواند تصمیم را بررسی کند (Kareem v. Haspel, 412 F. Supp. 3d at 55).

1. Reasonably

2. Kareem

3. Ahmad Muaffaq Zaidan

۳.۴.۲. تعقیب کیفری کارکنان نظامی و اعضای سازمان سیا

اگرچه هیچ آمریکایی به دلیل شرکت در حملات هواپیماهای بدون سرنشین، تحت تعقیب قرار نگرفته است، اما امکان تعقیب کیفری همچنان وجود دارد. برای مثال یکی از اعضای ارتش ممکن است بر اساس قانون یکسان سازی عدالت نظامی آمریکا^۱ تحت تعقیب قرار گیرد و کارکنان سیا ممکن است در یک دادگاه غیرنظامی محاکمه شوند. حوادث وقوع یافته در عراق و افغانستان که شامل اعضای نیروهای مسلح و پیمانکاران خصوصی می شود، نشان می دهد که چگونه (تعقیب غیرنظامی یا دادگاه نظامی) می تواند گهگاه رخ دهد، زیرا افرادی به اتهام کشتن غیرنظامیان یا زندانیان، تحت تعقیب قرار می گیرند. عنوان ۱۸ قانون ایالات متحده، در بخش ۲۴۴۱، صلاحیت قضایی را در مورد جنایات جنگی که توسط یا علیه اعضای نیروهای مسلح ایالات متحده یا اتباع ایالات متحده انجام شده است، تعیین می کند. جنایات جنگی به هر رفتاری تعریف می شود که:

۱. به عنوان نقض فاحش هر یک از کنوانسیون های بین المللی امضا شده در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، یا هر پروتکل های الحاقی چنین کنوانسیونی که ایالات متحده عضو آن است، باشد؛

۲. توسط ماده ۲۳، ۲۵، ۲۷، یا ۲۸ ضمیمه کنوانسیون چهارم لاهه، با احترام به قوانین و آداب و رسوم جنگ زمینی، امضا شده در ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷، ممنوع شده است؛

۳. نقض فاحش ماده ۳ مشترک (همان طور که در بند «د» تعریف شده است) در صورت ارتکاب در یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی است؛ یا

۴. شخصی که در یک درگیری مسلحانه و بر خلاف مفاد پروتکل اصلاحی ۳ مه ۱۹۹۶ در ژنو، ممنوعیت یا محدودیت استفاده از مین ها، تله های انفجاری و سایر وسایل، به عمد غیرنظامیان را می کشد یا صدمات جدی به آنها وارد می کند، به ویژه زمانی که ایالات متحده طرف چنین پروتکلی است (18 U.S.C. § 2441 (c)(1)-(4)).

بنابراین، عنوان ۱۸ قانون ایالات متحده، جنبه های مختلف حقوق بشردوستانه بین المللی را مورد اشاره قرار می دهد و آن را در قوانین داخلی می گنجاند و نقض آن قوانین را نقض قوانین جزایی ایالات متحده می داند. به طور مشابه، ماده ۱۸ قانون یکسان سازی عدالت نظامی آمریکا، اعمال صلاحیت قضایی را بر «هر فردی که به موجب حقوق جنگ مشمول محاکمه توسط دادگاه نظامی می شود» مجاز می داند. سایر منابع برای تعقیب شهروندان درگیر در تصمیمات هدف گیری نادرست ممکن است شامل مواد تنبیهی قانون یکسان سازی عدالت نظامی آمریکا باشد. سازمان سیا نیز از این ممنوعیت ها مستثنا نیست، زیرا بازرس کل آژانس «باید انواع خاصی از تخلفات را به وزارت دادگستری گزارش

1. The Uniform Code of Military Justice (UCMJ)

کند» (A/HRC/14/24/Add.6, 2010). کارکنان اطلاعاتی طبق قوانین داخلی برای رفتار خود مصونیت از پیگرد قانونی ندارند. بنابراین، آنها بر خلاف نیروهای مسلح دولتی‌اند که اغلب از پیگرد قانونی برای همان رفتار مصون هستند (با فرض اینکه از الزامات حقوق بین‌المللی بشردوستانه) پیروی کنند، زیرا نتوانسته‌اند شرایط نبرد قانونی را طبق حقوق جنگ برآورده کنند. بنابراین، کارکنان سیا می‌توانند بر اساس قوانین داخلی هر کشوری که در آن قتل‌های هدفمند را انجام می‌دهند، به دلیل قتل تحت پیگرد قانونی قرار گیرند و همچنین می‌توانند به دلیل نقض قوانین قابل اجرای ایالات متحده تحت پیگرد قانونی قرار گیرند (Davis, 2017: 2).

۳.۳.۴.۳. تحقیقات حقوقی بین‌المللی

اگرچه دیوان کیفری بین‌المللی توانایی تحقیق مستقیم در مورد عملکرد نیروهای ایالات متحده را ندارد، با این حال می‌تواند با تحقیق از متحدان آمریکایی که اساسنامه رم را امضا کرده‌اند، مسئولیت پاسخگویی را بر ایالات متحده تحمیل کند. برای مثال گزارشگر ویژه سازمان ملل در مبارزه با تروریسم و حقوق بشر اعلام کرد که در حال تحقیق در مورد بریتانیا بر اساس ادعاهایی است که حملات هواپیماهای بدون سرنشین و سایر اشکال کشتار هدفمند از راه دور آن سبب تلفات نامتناسب غیرنظامیان شده است (Gregory, 2014: 769).

علاوه بر آن، سازمان‌های غیردولتی از ستاد ارتباطات دولت بریتانیا^۱ که مشابه آژانس امنیت ملی ایالات متحده است، شکایت کرده‌اند و ادعا می‌کنند که دولت بریتانیا به دلیل ارائه اطلاعاتی که از عملیات کشتار هدفمند ایالات متحده پشتیبانی می‌کند، مسئول جنایات جنگی است. این تلاش‌های حقوقی نشان می‌دهد که ایالات متحده ممکن است از طریق تهدید و هزینه‌ای که متحدان آن مجبور به پاسخگویی به چالش‌های قانونی‌اند، ملزم به پاسخگویی شود. از آنجایی که بریتانیا یکی از امضاکنندگان اساسنامه رم است، نتایج تحقیقات مختلف ممکن است شواهدی را ارائه دهد که اقدامات دولت بریتانیا را در حیطه صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دهد و هزینه‌های قانونی را بر متحدان و هزینه‌های سیاسی بر ایالات متحده تحمیل می‌کند (Gregory, 2014: 770).

۳.۴.۳.۴. نظارت خارجی توسط جامعه مدنی و رسانه‌ها

جامعه مدنی و رسانه‌ها هر دو یک عنصر نظارتی بسیار مشروط را در رابطه با جامعه اطلاعاتی اعمال می‌کنند. قانون آزادی اطلاعات^۲ همراه با قانون نظارت بر اطلاعات خارجی^۳ به طور دقیق در مورد اسرار

1. British Government Communications Headquarters (GCHQ)

2. Freedom of Information Act (FOIA)

دولتی مطرح است. سازمان سیا مشمول مقررات قانون آزادی اطلاعات است، اگرچه سوابق عملیاتی که توسط سرویس مخفی ملی در اداره علوم و فناوری و دفتر امنیت آن نگهداری می‌شود، همگی از مقررات جست‌وجو، بازبینی و افشای این قانون مستثنا هستند. مضاف بر آن، گروه‌های جامعه مدنی که با اعمال نظام‌مند چنین محدودیت‌های آزادی اطلاعات و استفاده از مجموعه‌ای از تاکتیک‌های دیگر مواجه‌اند، چشم‌انداز کمی برای دستیابی به اطلاعات معنی‌دار در مورد فعالیت‌های کشتار هدفمند فراسرزمینی دارند (Alston, 2011: 85).

نقش رسانه‌ها در رابطه با قتل‌های هدفمند از اهمیت زیادی برخوردار بوده است، با این حال، رسانه‌ها به‌عنوان یک سازوکار پاسخگویانه مؤثر عمل نمی‌کنند. برای مثال نیویورک‌تایمز تقریباً یک سال انتشار اطلاعات مربوط به برنامه شنود بدون مجوز آژانس امنیت ملی را به تعویق انداخت. مضاف بر آن، آنها در آینده تحت فشار فزاینده‌ای در رابطه با چنین افشاگری‌هایی قرار خواهند گرفت. فاش‌های راهبردی ارائه‌شده توسط رسانه‌ها همچنین نقش قدرتمندی در مشروعیت بخشیدن به برنامه کشتار هدفمند از طریق شنود کشتار شبه‌نظامیان ارشد و انتشار گزارش‌های کاملاً غیرمستند سیا از تعداد تلفات غیرنظامیان ایفا کرده است. به نظر می‌رسد که بسیاری از این اطلاعات به شیوه‌ای فاش شده است که کاملاً خودسرانه نیست، اما واضح است که اطلاعات موجود با توجه به تناقضات داخلی، لزوماً قابل اعتماد نیست و در هر صورت تا حد زیادی غیرقابل تأیید است (Alston, 2011: 86).

۴. نتیجه

عملیات کشتار هدفمند، چالش‌های دشواری را برای پاسخگویی حقوقی حاکمیت در دموکراسی‌های لیبرال ایجاد کرده و موجب نگرانی عمیق در این زمینه شده است. محاکم قضایی هنوز با این استدلال‌های هنجاری هماهنگ نیست. تاکنون دادگاه‌ها از نظارت بر قتل‌های هدفمند در خارج از کشور خودداری کرده و استدلال می‌کنند که چنین موضوعاتی سیاسی‌اند یا به روابط بین‌المللی بین دولت‌ها مربوط می‌شوند و بنابراین غیرقانونی‌اند. انکار آشکار عدالت‌پذیری در مورد استفاده فراسرزمینی ایالات متحده از توسل به زور کشنده نمی‌تواند با اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل، معاهدات، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌ها تطبیق داده شود و حق حیات را نقض می‌کند. با تأیید فرضیه پژوهش، نه تنها ایالات متحده، بلکه هیچ کشوری سازوکار پاسخگویی که تضمین می‌کند قتل‌های غیرقانونی بررسی، تعقیب و مجازات می‌شوند، افشا نکرده است. این در حالی است که به‌منظور حصول اطمینان از معنادار بودن پاسخگویی، کشورها باید به‌طور مشخص اقدامات موجود برای تحقیق در مورد قتل‌های هدفمند

غیرقانونی و یا شناسایی و محاکمه عاملان را افشا کنند یا استرداد آنها به کشور دیگری که یک پرونده اولیه برای غیرقانونی بودن یک قتل هدفمند تشکیل داده است، تسهیل کنند. دولت‌ها همچنین از ارائه اطلاعات واقعی درباره اینکه چه کسی تحت سیاست‌هایشان هدف قرار گرفته‌اند و با چه نتیجه‌ای، از جمله اینکه آیا غیرنظامیان بی‌گناه به‌طور جانبی کشته یا مجروح شده‌اند، خودداری کرده‌اند. در برخی موارد، قتل‌های هدفمند در مناطق شهری به راحتی قابل دسترسی است و ناظران حقوق بشر و جامعه مدنی قادر به مستندسازی نتیجه هستند. به‌طور کلی، افشای معیارها برای هدف‌گیری، مشورت‌های داخلی قوی و گسترده و گزارش‌های مربوط به حملات فردی که تا حد امکان جزئی‌تر است، نویدبخش پاسخگویی به این چالش‌هاست. با این حال، تنش بین رازداری و ماهیت مهم این عملیات، احتمالاً به بحث‌های بیشتر در مورد پاسخگویی منجر می‌شود.

منابع

۱. فارسی

الف) مقالات

۱. طالقانی، علی (۱۳۸۳). پاسخگویی و مسئولیت، *اندیشه حوزه*، (۴۹ و ۵۰).
۲. لسانی، حسام‌الدین؛ منفرد، مهوش (۱۳۹۶). تأملی بر مشروعیت سیاست کشتار هدفمند از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه. *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، (۲)، ۲۴۶-۲۷۶.
۳. منزوی، مسعود (۱۳۸۷). «دکترین نیروهای مسلح آمریکا»، *مجله سیاست دفاعی*، دوره ۱۶، شماره ۶۲.

ب) پایان‌نامه‌ها

۴. منفرد، مهوش (۱۳۹۷). قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر بر سیاست کشتار هدفمند. *دانشگاه تهران (پردیس فارابی)*.

۲. انگلیسی

A) Books

1. DeRosa. M., & Regan. M. (2021). *Accountability for targeted killing, in Counter-Terroris the Ethical Issues*. by Miller, S.R.M.; Henschke, A.H.; Feltes, J., Delft University of Technology.
2. McNeal, G. (2012). *Are Targeted Killings Unlawful? A Case Study In Empirical Claims Without Empirical Evidence*. in *Targeted Killings: Law and Morality in an Asymmetrical World*, by Claire Finkelstein (ed.), Jens David Ohlin (ed.), Andrew Altman (ed.), Oxford University Press.

B) Articals

3. Akande, D. (2012). Classification of Armed Conflicts: Relevant Legal Concepts. *Oxford Legal Studies Research Paper*.
4. Alston, P. (2011). The CIA and Targeted Killings Beyond Borders. *Harvard National Security Journal, Forthcoming*.
5. Bradley, C., & Goldsmith, J. (2005). Congressional Authorization and The War on Terrorism. *Harvard Law Review*.
6. Buchanan, A., & Keohane, R. (2015). Toward a Drone Accountability Regime. *Cambridge University Press*.
7. Combe, M. P. (2017). The Covert Action Statute: The CIA's Blank Check?. *Journal of National Security Law & Policy*.
8. Davis, M. (2011). Combatant Immunity and the Death of Anwar al-Awlaqi. *JURIST*.
9. Davis, M. (2011). Combatant Immunity and the Death of Anwar al-Awlaqi, *JURIST*.
10. Dehn, J., & Heller, K. (2011). A Proposal for Judicial Review of Lethal War Measures, *University of Pennsylvania Law Review, PENnumbra, Loyola University Chicago School of Law*.
11. Fisher, J (2007). Targeted Killing, Norms, and International Law. *Colum. J. Transnat'l L.* 711.
12. Mauri, D. (2020). The Multi-Faceted Character Of The 'Political Question' Doctrine In Recent Practice: A One-Size-Fits-All Tool? / *Zoom In, Questions Of International Law*, 2020.
13. Mcneal, G. (2014). Targeted Killing and Accountability, *The Georgetown Law Journal*.
14. O'Connell, M. E. (2021). Targeted Killings' in Christina Binder, Manfred Nowak, Jane A Hofbauer, Philipp Janig (eds). *Notre Dame Law School*.
15. Paust, Jordan, (2010), Self-Defense Targetings of Non-State Actors and Permissibility of U.S. Use of Drones in Pakistan, *J. Of Transnational Law & Policy*.
16. Pearlstein, D. (2013). Enhancing Due Process in Targeted Killing. *The American Constitution Society (ACS)*.
17. Roddel, S. (2022). The future of US drone policy: A conversation with International Law Professor Mary Ellen O'Connell, available at: <https://news.nd.edu/news/the-future-of-us-drone-policy-a-conversation-with-international-law-professor-mary-ellen-oconnell/>
18. Savage, C. (2022). White House Tightens Rules on Counterterrorism Drone Strikes. *New York time*.
19. Trenta, L. (2017). The Obama administration's conceptual change: Imminence and the legitimization of targeted killings. *Cambridge University Press*.
20. Trevisan, S. (2015). The transnational non-international armed conflict: positive norms, leading cases and doctrinal conceptualizations. *International law research seminar*.
21. Vladeck, S. (2014). Targeted Killing and Judicial Review. *The George Washington Law Review Arguendo*.

C) Documents

22. Commentary to the HPCR Manual on International Law Applicable to Air and Missile

- Warfare, elaborated by the Drafting Committee of the Group of Experts under the supervision of Professor Yoram Dinstein, Published online by Cambridge University Press: 05 July 2013.
23. Joint Doctrine for Targeting, 17 January 2002, Available at: https://www.bits.de/NRANEU/others/jp-doctrine/jp3_60%2802%29.pdf.
 24. Procedures For Approving Direct Action Against Terrorist Targets Located Outside The United States And Areas Of Active Hostilities, 2013, Available At: https://www.justice.gov/oip/foia-library/procedures_for_approving_direct_action_against_terrorist_targets/download.
 25. Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), adopted at Geneva, Switzerland, on June 8, 1977, entry into force December 7, 1978.
 26. The White House, Fact Sheet: U.S. Policy Standards and Procedures for the Use of Force in Counterterrorism Operations Outside the United States and Areas of Active Hostilities, 2013, Available at: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2013/05/23/fact-sheet-us-policy-standards-and-procedures-use-force-counterterrorism>.
 27. United States Code, 2012 Edition, Supplement 3, Title 18 - Crimes and Criminal Procedure, section 2441, 2015. Available at: <https://www.govinfo.gov/app/details/USCODE-2015-title18/USCODE-2015-title18-partI-chap118-sec2441>.
 28. Yves Sandoz et al., "Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949", International Committee of the Red Cross (1986).
 29. The manual of the law of armed conflict, uk ministry of defence, 2004, available at: <https://opil.ouplaw.com/display/10.1093/law/9780199287284.001.0001/law-9780199287284>

D) Cases

30. Al-Aulaqi v. Obama, Civil Action No. 10-1469 (JDB), United States District Courts. United States District Court (Columbia), 2010, available at: <https://case-law.vlex.com/vid/aulaqui-v-obama-civil-891492033>.
31. Bilal Abdul Kareem, Appellant V. Gina Cheri Haspel, Director of The Central Intelligence Agency, Et Al., Appellees, Appeal from the United States District Court for the District of Columbia (No. 1:17-cv-00581), No. 19-5328, 2021, available at: <https://law.justia.com/cases/federal/appellate-courts/cadc/19-5328/19-5328-2021-01-15.html>
32. El-Shifa Pharmaceutical Industries Co. v. United States, 55 Fed. Cl. 751 (2003), March 14, 2003 · United States Court of Federal Claims · No. 00-443L, 55 Fed. Cl. 751, Available at: <https://cite.case.law/fed-cl/55/751/>.
33. International court of justice, Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), 2005, available at: <https://www.icj-cij.org/case/116/judgments>.
34. International court of justice, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 2004, available at: <https://www.icj-cij.org/case/131>.
35. International court of justice, Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States

of America), 2003, available at: <https://www.icj-cij.org/case/90>

E) Reports

36. Report of the Special reporter on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Philip Alston, Addendum, Study on Targeted Killings, UN Doc. A/HRC/14/24/Add.6, May 28, (2010).
37. UN Human Rights Council, Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Philip Alston; Study on Targeted Killings, (A-HRC 4438),2022.

مقاله آماده انتشار

References in Persian:

A) Articles

1. Taleghani, A. (2004). Accountability and Responsibility. *Andisheh Hawze*, (49 & 50) (In Persian).
2. Lasani, H., & Monfared, M. (2017). Contemplateing on the Legitimacy of Targeted Killing Tactics under International Humanitarian Law. *Journal of Legal Studies of Shiraz University*, (2), 246-276 (In Persian).
3. Manzavi, M. (2008). The Doctrine of the US Armed Forces. *Journal of Defense Policy*, 16, (62) (In Persian).

B) Theses

4. Monfared, M. (2017). *The Applicability of International Humanitarian Law and International Human Rights Law to the Policy of Targeted Killing*. University of Tehran (Farabi Schools) (In Persian).